

در مراسم رونمایی از «دانشنامه برخط زبان‌ها و گویش‌های ایرانی» بیان شد

لزوم توجه به زبانی که قدمتی چند هزارساله دارد

آیین رونمایی از «دانشنامه برخط زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، یکشنبه، ۶ آبان، در «مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» برگزار شد. کاظم موسوی بجنوردی، عبدالمجید ارفعی و نادره نفیسی از سخنرانان این مراسم بودند.

● سرزمین کهن ایران گنجینه‌ای از تنوع زبانی و گویشی است در این مراسم، کاظم موسوی بجنوردی، رئیس «مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، در سخنانی گفت: «سرزمین کهن ایران، با فرهنگ و تمدنی چند هزاران ساله، گنجینه‌ای از تنوع زبانی و گویشی است که در جهان کم مانند است. زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در سراسر جغرافیای ایران فرهنگی نمایان‌گر تاریخ و تفکر مردمانی است که در این حوزه زیسته‌اند، زبان‌هایی که طی هزاران سال شکل گرفته‌اند، در فرازونشیب روزگار برخی ازمیان رفته‌اند و برخی به دست ما رسیده‌اند.»

وی ادامه داد: «طبق گزارش یونسکو، زبان‌های بسیاری در دنیا، به علل گوناگون، ازجمله پدیده جهانی‌شدن، درحال نابودی هستند؛ بنابراین، ضرورت شناخت و ثبت وضبط زبان‌ها یکی از دغدغه‌های پژوهشگران شده است. زیرا از میان رفتن یک زبان از میان رفتن دستاوردهای فرهنگی یک ملت است.» وی همچنین گفت: «مایه مباهات است که پس از بیش از یک دهه تلاش درجهت جمع‌آوری منابع و مقالات، دراین روز خجسته، از نخستین دانشنامه برخط زبان‌هاوگویش‌های ایرانی‌رونمایی کنیم وازاین امکان برای جذب بیشتر منابع، پژوهش‌ها و مداخل و نیز دراختیارگذاشتن این اطلاعات در دسترس همگان بهره ببریم.»

● امیدوارم دانشنامه باعث حفظ زبان و گویش‌های ایرانی شود عبدالمجید ارفعی، متخصص زبان‌های باستانی و مترجم منشور کوروش هخامنشی، نیز در این مراسم گفت: «گویش‌های ایرانی، پس از فرازونشیب‌های بسیار، هویت ایرانی را حفظ کرد، زبانی که از زمان هخامنشیان تکمیل شد و درادامه بخش‌هایی از آن رادور انداختیم. زبان ما قدمتی چند هزارساله دارد و امیدوارم که این دانشنامه باعث حفظ زبان و گویش‌های ایرانی شود.» او ادامه داد: «نیاز نیست زبان را خراب کنیم؛ نباید کلمات فارسی را جمع عربی ببندیم. به‌خاطر دارم، ۳۰ سال پیش، نقدی درباره کتاب‌های تاریخ مدارس نوشته بودم و در بخشی عنوان کردم که چرا مثلاً از کلمه «فرامین» استفاده کردیم. پاسخ این بود که فلانی عرب ستیز است. یعنی فقط از ۲ صفحه مطلب همین را دیده بودند!»

ارفعی افزود: «همین حالا، واژه‌های ایلامی در گویش‌های جنوبی رایج است. متأسفانه، اروپایی‌ها بیش از ما در ۳۰-۴۰ سال گذشته به این موارد توجه داشته‌اند. محبت دیگرم این است که برخی می‌گویندزبان عربی فنی‌تر است، زیرا به عنوان مثال برای یک کلمه پانزده کلمه مشابه دارند. خیر، این به‌معنای کامل بودن نیست، بلکه به دلیل آن است که زبان عربی گویش‌های مختلف را در خود ادغام کرده است.»

● متأسفانه، اطلس جامعی درباره زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نداریم نادره نفیسی، مدیر بخش زبان شناسی و دانشنامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی «مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، دیگرسخنران این مراسم بود. او در ابتدا درباره اقدامات صورت‌گرفته برای چاپ این دانشنامه گفت: «در سال ۱۳۸۹، طرح دانشنامه مطرح و در شورای عالی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تصویب شد که این دانشنامه در چهار جلد منتشر شود. گمان می‌رفت بتوانیم به اطلسی دست پیدا کنیم، اما متأسفانه هنوز اطلسی از زبان و گویش ایرانی نداریم.»

او افزود: «نخستین کوشش‌های صورت‌گرفته را محمد صادق کیا انجام داد و با کمک نقشه‌برداری ارتش در جای جای ایران راهنمای گردآوری گویش را تدوین کرد و در دست‌ارتش گذاشت. پس از آن، شادروان بهرام فره‌وشی، که برنامه تلویزیونی «ایران زمین» را مدیریت می‌کرد، برای گام برداشتن در این راه از بودجه برنامه بهره گرفت، و دانشجویانش که بیشتر دانشجوی ادبیات بودند، دست به گردآوری زدند و داستان‌های محلی را گردآوری کردند، که، اگر چنین نشده بود، آن قسمت از زبان و فرهنگ و داستان را از دست داده بودیم.»

نفیسی ادامه داد: «پس از آن، دکتر یدا... ثمره، از نیروهای جهاد سازندگی در میانه دهه ۶۰، فرم‌هایی طراحی کرد که اطلاعات آن به صورت صوتی ثبت وضبط شد، اما در انباری قدیمی درحال نابودی بود که مانع آن شدیم. بسیاری از بزرگان و پژوهشگران پژوهشگاه میراث فرهنگی در حوزه گویش وزبان درحال کار هستند، اما پرسش این است که آیا این کارهای پراکنده به نتیجه می‌رسد. دیگرکشورها بیش از یک صد سال است که چنین اطلسی دارند.»

۱۲ داستان کوتاه از دانشور به زبان اردو منتشر شد



گزیده‌ای از داستان‌های کوتاه سیمین دانشور به‌تأگی به‌زبان اردو ترجمه و در پاکستان منتشر شده است.

به‌گزارش «مهرا» این مجموعه‌وامبر یاسمین، استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه می‌زبان‌های نوین اسلام‌آباد پاکستان، ترجمه و انتشارات قلم‌لاهور در ماه سپتامبر ۲۰۲۴ چاپ کرده‌است. کتاب مذکور شامل ترجمه دوازده داستان کوتاه «شب عیدی»، «سایه»، «مرد‌ها عوض نمی‌شوند»، «ناشناس»، «جامه ارغوانی»، «عشق پیری»، «تصادف»، «به کی سلام کنیم؟»، «انتخاب»، «بخت‌کشایی»، «مردی که برنگشت» و «یک سرو یک بالین» است. این داستان‌ها از مجموعه داستان‌های کوتاهی همچون «آتش خاموش»، «به کی سلام کنم؟» و «شهری چون بهشت» سیمین دانشور انتخاب شده‌اند. عنوان نسخه اردو نیز برگرفته از نام یکی از داستان‌های کوتاه و مجموعه داستان‌های دانشور، یعنی «به کی سلام کنیم؟»، است.

هدف مترجم از بازگردانی این اثر، معرفی ادبیات فارسی و افکار و اندیشه‌های دانشور در پاکستان است. امبر یاسمین پیش از این هم دو کتاب «با کاروان حله» از عبدالحسین زرین‌کوب و «تفسیر سورة الفاتحه» از «کشف‌الاسرار» منسوب به خواجه عبدا... انصاری را به‌زبان اردو ترجمه کرده بود.

علی باقریان

● که من شاز شتانی^{۱۱} علی ام در است درست این سخن گفت پیغمبر است
● گواهی دهم کاین سخن راز اوست تو گویی دو گوشم بر آواز اوست

۱- شاز شتانی: شهرستان، شهر هستم.

۲- حکیم: خدا، که داناست.

● حکیم^{۱۲} این جهان را چو دریا نهاد

برانگیخته موج از او تندباد

● چو هفتاد کشتی بر او ساخته

همه بادبان‌ها برافراخته

برای شنیدن این ابیات، کد روبه‌رو اسکن کنید:

● یکی پهن کشتی به‌سان عروس

بیارسته همچو چشم خروس

بفرمایید آرایشگاه و یک «شما»ی جدید تحویل بگیرید!

درباره «پسر کاملاً جدید» و مسئله مهم «دیگرگون شدن»

حمزه خوشبخت، عضو شورای کتاب کودک

داستان «پسر کاملاً جدید»، داستان تحول دنیای پیرامون انسان‌ها و پیداکردن جایگاه انسانی در میانه دیگرگون‌شدن‌های عجیب غریب جهان امروز است. با وجود هوش مصنوعی، ربات‌ها و بسیاری از وسایل ارتباطی، چه آینده‌ای منتظر جهان انسانی است؟ نویسنده کتاب، با روایت حضور پسر کاملاً جدید در یک مدرسه معمولی، به ظرافت تمام به این امر مهم می‌پردازد.

معرفی کتاب

ادامه دهنده راهی است که انسان‌ها در طول تاریخ دنبال کرده‌اند. آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است نوع مواجهه انسان‌ها با امر جدید است. در یک سوی قصه، آقای ادن مارش و خانم کریستال به عنوان سوءاستفاده‌گران و کنترل‌گران امر جدید ایستاده‌اند و در سوی دیگر بچه‌های مدرسه، مادر دنیل، معلم‌ها و آدم‌های عادی قصه هستند.

هر کدام از این دو طیف ویژگی‌های خودشان را دارند. نوع برخورد کنترل‌گران جرح مانند همه کسانی است که در موقعیت‌های دیگر نیز به دنبال بهره‌برداری از آدم‌ها و هر چیزی در جهان هستند. «ادن مارش»‌ها، نه تنها به جرح به دیده موجودی برای پیشبرد کار و درآمدزایی خود نگاه می‌کنند، بلکه به بچه‌ها نیز همچون وسیله‌های تولید سود بیشتر می‌نگرند. اما بچه‌ها و دیگران، که با حضورشان چیزی به اسم «زندگی معمولی» را شکل می‌دهند، در برابر همه امور به این فکر می‌کنند که چگونه نقش بهتری در روابط و دوستی‌هایشان ایفا کنند؛ به همین دلیل هم هست که در برابر سرنوشت جرح همان‌طور احساس مسئولیت می‌کنند که در مواجهه با هر انسان و هر پدیده دیگری، درواقع، بچه‌ها، دنیل، ماکسی، مادر دنیل و ... با احساسات انسانی شرایط جدید را می‌پذیرند و خودشان را با آن وفق می‌دهند. مادر دنیل و آرایشگاه «شمای جدید»، مثال خوبی از این دست است که نویسنده با هوشمندی تمام آن را در متن قصه بیان می‌کند. به تبلیغات این آرایشگاه توجه کنید،

داستان از این قرار است که جرج، پسر بچه تازه‌وارد مدرسه، دانش‌آموزی کاملاً متفاوت با سایر دانش‌آموزان است. راوی داستان، که از ابتدا متوجه این تفاوت می‌شود، تلاشش را برای برقراری ارتباط با او انجام می‌دهد. اما اختلاف جرج با بقیه بچه‌ها بیشتر از آن چیزی است که بچه‌ها انتظارش را داشته باشند. او یک آدم کنترل شده است. جرج تنها برخی از رفتارهای انسانی را می‌تواند انجام بدهد. همه اتفاقات دست به دست هم می‌دهند تا اینکه راز بزرگ آشکار می‌شود.

پسر کاملاً جدید از همه جهات جدید است. او متعلق به هیچ چیز این جهان نیست. دقیقاً همین جای قصه است که قهرمانان داستان با یک نقشه جسورانه تلاش می‌کنند او را به دنیای عادی انسانی وصل کنند. دنیایی که در آن عشق هست، دلنگنی هست، محبت هست، شکست هست و آماز همه مهم‌تر، هربار و همیشه انسانی جدید شدن، تازه شدن. به عنوان مثال، مادر دنیل در آرایشگاه «شمای جدید» می‌تواند شما را با آرایش هایش به «شمای کاملاً جدید» تبدیل کند.

● چرا باید قصه «پسر کاملاً جدید» را بخوانیم؟ داستان «پسر کاملاً جدید» عمیق‌تر از آن است که بتوان آن را در این خلاصه بیان کرد. در ادامه، تنها به چند نکته مهم در داستان اشاره می‌شود: آنچه به عنوان امر جدید در داستان «پسر کاملاً جدید» مطرح می‌شود مسئله همیشگی انسان بوده است. «پسر کاملاً جدید» در این داستان

بخش دوم اصحبت از شخصیت و زنده بودن شخصیت است. باید به این باور برسید که شخصیت و شخصیت‌پردازی یکی از مهم‌ترین ارکان هر روایت است. اگر قرار باشد عناصر داستان را به پنج رکن اصلی و یا حتی کمتر تقلیل دهیم، بازهم شخصیت یکی از آن پنج‌تا و یا حتی سه‌تا خواهد بود. پس، با احتساب این مورد، بخش بزرگی از هوش و دقت و نوآوری و تمرین‌هایتان را باید روی ویژگی‌های شخصیتی متمرکز کنید. و تمام نکته این مطلب درباره کیفیت ساخت شخصیت است، گزینه هر آدم بی‌استعداد و خام و خنگی هم می‌تواند ماجراهایی درباره یک یا چند آدم تعریف کند، بدون اینکه به کیفیت‌های وجودی توجهی داشته باشد.

در بخش پیشین، چند توصیه برای ایجاد ارتباط عمیق‌تر بین شخص نوپسند ه و شخصیت داستانی فهرست شد. در اینجا، دنباله آن توصیه‌ها را برایتان می‌نویسم: چهارم، شخصیت را در موقعیت‌های مختلف قرار دهید و واکنش او را بسنجید. یکی از توصیه‌های قدما این است که «اگر می‌خواهید کسی را بشناسید، با او همسفر شوید.» درواقع، آدمی که در شرایط امنی قرار گرفته باشد با مهارت تمام قادر خواهد بود که ویژگی‌های شخصیتی‌اش را پنهان کند (مخصوصاً، آن‌هایی که جزو ضعف‌های او به‌شمار می‌آیند و یا باز نظر اجتماعی و اخلاقی وجهه چندان خوبی ندارند و یا حتی

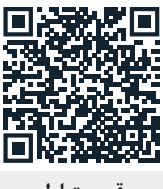
بد و نکوهیده‌اند)، اما آدمی که در سفر باشد نمی‌تواند: غربت می‌تواند آدم را آسیب‌پذیرتر و بی‌دفاع‌تر کند؛ به خیشی می‌ماند که اعماق هر آدمی را شخم می‌زند و زیرورو می‌کند. تالایه‌های پنهانش عیان شوند. پس شخصیت خیالی‌تان را در موقعیت‌های مختلف قرار دهید و تماشایش کنید که چگونه رفتار می‌کند؛ در مواجهه با خطر، زمانی که فرصت مالی بزرگی پیش‌رویش قرار دارد، وقتی تحت فشار عصبی گیر می‌افتد، در یک بحران عاطفی، جایی که لازم است برای رهایی دروغ بگوید، و هزاران هزار وضع مختلف دیگر. در چنین گستره‌ای، شناخت عمیق‌تری نسبت به شخصیت مورد نظر پیدا می‌کنید و چنین چیزی شما را برای نوشتن یک شخصیت خوب مهیا می‌کند. پنجم، طرح‌واره‌ها را بشناسید. حال‌که صحبتش پیش‌آمد، شاید مطالعه کتاب «طرح‌واره‌درمانی» از دکتر جفری یانگ و همکارانش کمک خوبی به شما باشد. (طبق مطالعاتی که تا اینجا جای کار داشته‌ام، بحث طرح‌واره‌ها بسیار گسترده‌تر از چیزی است که جفری یانگ می‌گوید، و شاید مطالعه تئوری‌های شگفت‌انگیز پرفسور زان پیازه بزرگ و دوست‌داشتنی شما را هم به همین نتیجه برساند. در هر صورت، در حال حاضر، کسی که در مبحث طرح‌واره‌درمانی پیش‌روست همین دکتر جفری یانگ است که طرح‌واره‌ها را به

هجهه نوع مختلف تقسیم کرده است.) آشنایی با طرح‌واره‌ها به شما کمک می‌کند تا بتوانید مدل و الگوهای فکری شخصیت‌ها را دقیق‌تر بشناسید. برای مثال، «مهرطبی» یک طرح‌واره است و شخصیتی که طبق این الگو عمل می‌کند مسائل عاطفی خودش را به سمت وسوی خاصی هدایت می‌کند و معمولاً شریک عاطفی خودش را دچار دردسرهای عمیقی می‌کند. طرح‌واره‌ها به شما این امکان را می‌دهند که بدانید یک انسان در کنش‌های سیاسی‌اش چرا و چطور این‌گونه رفتار می‌کند، درحالی‌که ممکن است در مسائل عاطفی‌اش رویکردی حتی متضاد داشته باشد. همان‌طور که یک کهکشان شامل منظومه‌های متعدد با قوانین مختلف است، یک شخصیت داستانی -و البته واقعی- هم طرح‌واره‌های مختلفی دارد که لزوماً همه و تمام و کمال تابع یک قانون مشخص نیستند. عمل به این توصیه، جدای از اینکه نگرش شما به آدم‌ها را ممکن است تغییر دهد، کمک می‌کند که تا عمیق‌ترین لایه‌های روانی شخصیت‌ها هم نفوذ کنید.

شاید این توصیه برایتان شائبه به وجود بیارد که با این رویکرد شخصیت‌هایی که ساخته می‌شوند کلیشه‌ای و شبیه به هم درمی‌آیند. اما نه، نکته‌ای که ناگفته مانده این است که طرح‌واره‌ها را احتمالاً بتوانیم به چرخ‌دنده‌های

ساعت تشبیه کنیم؛ همان‌طور که پیش از این گفته شد، طرح‌واره‌های انسان‌ها لزوماً شبیه به هم رفتار نمی‌کنند و تابع یک قانون مرکزی و مشخص نیستند، بلکه می‌توانند حتی در تضاد با یکدیگر باشند و در یک مجموعه کلی و در اتحاد با هم یک روان کامل را شکل بدهند. مثلاً فرض کنید که اندازه و ابعاد یکی از چرخ‌دنده‌های ساعت را تغییر دهید؛ نتیجه منطقی آن تغییر سرعت چرخش عقربه‌ها خواهد بود. اگر این نتیجه را تبدیل به معادلی روانی کنیم که منجر به رفتار و عواطف خاصی شود، مانند این است که شما هر کدام از طرح‌واره‌ها (= چرخ‌دنده‌ها) را دستکاری کنید؛ نتیجه کار متفاوت خواهد بود، و این تکنیک به شما امکان طراحی بی‌شمار آدم را خواهد داد. پس، با این حساب، اگرچه ظاهر این توصیه دعوت به کلیشه‌است، اما در ذات خودش پتانسیلی به شدت کلیشه‌گریز و ایا دارد؛ دراصل، برای شما تنوع ایدئال‌آی از شخصیت‌ها را فهرست می‌کند.

با احترام عمیق به پیرمرد خوش‌سیما و مهربان دنیای روان‌شناسی، نابغه بزرگ، پروفسور زان پیازه دوست‌داشتنی،



قسمت اول

«پسر کاملاً جدید»، نوشته دیوید آلmond، ترجمه شهلا منتظاریان، نشر ایران‌بان، ۱۴۰۳ (چاپ سوم)، ۲۸۸ صفحه، ۲۵۰ هزار تومان.

خیالی که نفس می‌کشد



شهلا منتظاریان

ساعت تشبیه کنیم؛ همان‌طور که پیش از این گفته شد، طرح‌واره‌های انسان‌ها لزوماً شبیه به هم رفتار نمی‌کنند و تابع یک قانون مرکزی و مشخص نیستند، بلکه می‌توانند حتی در تضاد با یکدیگر باشند و در یک مجموعه کلی و در اتحاد با هم یک روان کامل را شکل بدهند. مثلاً فرض کنید که اندازه و ابعاد یکی از چرخ‌دنده‌های ساعت را تغییر دهید؛ نتیجه منطقی آن تغییر سرعت چرخش عقربه‌ها خواهد بود. اگر این نتیجه را تبدیل به معادلی روانی کنیم که منجر به رفتار و عواطف خاصی شود، مانند این است که شما هر کدام از طرح‌واره‌ها (= چرخ‌دنده‌ها) را دستکاری کنید؛ نتیجه کار متفاوت خواهد بود، و این تکنیک به شما امکان طراحی بی‌شمار آدم را خواهد داد. پس، با این حساب، اگرچه ظاهر این توصیه دعوت به کلیشه‌است، اما در ذات خودش پتانسیلی به شدت کلیشه‌گریز و ایا دارد؛ دراصل، برای شما تنوع ایدئال‌آی از شخصیت‌ها را فهرست می‌کند.